

از دانشمندان محترم

جناب آقای شب زنده دار

بهشت و جهنم

فروشی از موضوعاتی که کم و بیش در کتب اکثر مذاهب و ادیان دیده میشود ، و در بین پیروان آنها رواج بخصوصی دارد موضوع بهشت و جهنم است. جامعه‌شناسان هم میگویند : این عقیده بسیار ریشه دار است و حتی بین اقوام وحشی و ملل دور افتاده ، مانند وحشیهای امریکانیز بنحوی موجود است . در بین کتب آسمانی قرآن کریم این موضوع را صریحتر وعده داده ؛ و خصوصیات ممتازة آنرا بیان نموده و پافشاری مخصوص برای اثبات آن دارد ، بطوریکه کمتر سوره‌ای است که برای یکبار یا بیشتر از آن نام نبرد و مسلمانان را نسبت باولی امیدو بدومی بیم ندهد . اصل استعدادهای مردم بر روی این عقیده و اعتقاد است . چیزی که هست ، اینکه این موضوع هم مانند سایر موضوعات موافق و مخالف پیدا نموده ، و خود موافقین هم در کیفیت هر یک از آن دو اختلاف دارند . این عقیده در دین مبین و کتب معتبره و کتب معتبره باید بطور کلی سه گونه عقیده نسبت به بهشت و جهنم موجود است :

- ۱- عقیده مادیین و کمونیستها
- ۲- عقیده اکثر مسیحیها و جمعی از صوفیین (۱)
- ۳- عقیده اکثر علماء اسلام
- ۱- عقیده مادیین و کمونیستها

مادیین و کمونیستها میگویند: اصلاً از بهشت و جهنم خبری نیست، زیرا زندگی ولذت و الم منحصر بهمین دنیا است و بعد از مرگ دیگر خبری نیست، و گاهی هم کمونیستها جسورانه میگویند: آنها ساخته دست روحانیون و اشراف برای ادامه ریاست خود و استثمار و بهره برداری از دیگران است. میگویند: اشراف بکمک روحانیون بمنظور اینکه فقرا و بیچارگان در برابر فقر و تنگدستی شکیبائی و تحمل بخرج دهند و بر آنها نشورند و بگذارند زندگی راحت داشته باشند بهشت و جهنمی ساختند و پاداش ببر و ساختن فقرا، با انواع مشکلات اقتصادی بهشت، با آنهمه نعمت از خوراکیها و پوشاکها و سایر لذتها که برای آنها تراشیدند، قراردادند و کیفی متخلفین را جهنم سوزان و عذابهای دردناک آنجا تعیین نمودند

پاسخ بمنکرین

پاسخ مفصل و مستوفای منکرین بهشت و جهنم، موقوف بر اثبات حیات و زندگی پس از مرگ است که از موضوع این مقاله خارج است، و آنچه بطور اشاره اینجامیتوانیم بگوئیم این است که حیات پس از مرگ بطور اجمال از نظر دانشمندان امروز موضوعی مسلم شناخته شده است، حتی بگفته «فرید وجدی»، این حیات که سابقاً يك امر

(۱) بنا بگفته (دائرة المعارف لاروس) بمردیها در اول معتقد به

تعقلی بود، و صرفاً با ادله عقلی اثبات میشد. اکنون یارا فراتر نهاده و خود را جزء محسوسات قلمداد نموده است اما گفتار اخیر کمونیستها پرواضح است که از عناد سرچشمه گرفته و قابل جواب نیست.

۲- عقیده مسیحیها

مسیحیها از نظر اینکه تعلیمات حضرت مسیح، جنبه افراطی روحی داشته، تحت تأثیر آن تعلیمات واقع شده، و بهشت و جهنم را فقط روحانی حساب کرده اند، و طبق گفتار «دائرة المعارف لاروس» تمام لذت بهشتی را منحصر در نظر بسوی خداوند دانسته اند و گاهی هم اسلام را که به بهشت جسمانی معتقد است بدین مادیت و شهوت متهم نموده اند.

ولی پرواضح است که وقتی، معاد جسمانی یعنی زندگی با همین جسم را که در جای خود ثابت شده است برای بعد از مرگ اثبات کردیم اینگونه حرفها دلیل بر نبودن لذات جسمانی نیست، و اسلام هم لذات و المهای آنجهان را منحصرأ جسمانی نمیداند، تا مورد تهمت واقع شود. بلی از نظر اینکه افکار بیشتر مردم متوجه امور مادی است و ایجاد بیم و امید در آنها از این راه آسانتر است، قرآن کریم از لذتها و المهای مادی آنجهان بیشتر نام برده است.

چیزیکه باقی ماند نظر به جمعی از صوفیون است، و آنرا بعداً توضیح خواهیم دید.

۳- عقیده اکثر علماء اسلام

البته روشن است که بشر را هی برای اثبات تمام خصوصیات آینده

جهان ندارد، و نمیتواند موبمو نسبت بآینده خود پیشگوئی کند، ولی میتواند در اثر تعلیمات انبیاء و پیامبران که علوم آنها از وحی سرچشمه میگردد، تا اندازه‌ای نسبت باوضاع آینده خود و جهان اطلاعاتی پیدا کند. علما، اسلام طبق آیات قرآن کریم و روایات بسیاری عقیده مندند که همین حالا جائی هست که در او حیات اندر حیات است، و انواع و اقسام وسائل لذت و کامرانی در او فراهم است، و جای سوزان مرگبار دیگری هم باز همین حالا هست که انواع وسائل شکنجه و آزار در او فراهم است، و وقتی اوضاع کنونی جهان بهم خورد و مردگان زنده شدند مردم در ستکار درهما بجای اول و بدکاران بجای دوم فرستاده میشوند. قرآن کریم صریحاً میفرماید: بهشت تهیه شده است (آل عمران ۱۳۳ و حدید ۲۱) و همین مطلب را نیز در باره آتش سوزان جهنم و اسباب عذاب آنجا گوشزد میکند (آل عمران ۱۲۱ و دهر ۴) و نیز جای بهشت (جنة المأوی) را معین نموده، و میگوید پهلوی «سدرة المنتهی» است و سدرة المنتهی طبق آثار اسلامی در آسمان هفتم است (البته بحث درباره اینک مقصود از آسمانهای هفتگانه چیست خود داستان جداگانه‌ای است) و در ضمن یکی از آیات میگوید آنچه وعده داده میشود (از بهشت و جهنم) در آسمان است (۱) (ذاریات ۲۲) و همینطور در ضمن روایاتی که راجع بمعراج و پرواز پیغمبر اکرم اسلام با آسمانها است، رسیده است که پیغمبر بهشت و جهنم را در آسمان دیده است (۲)

(۱) طبق یکی از احتمالاتی که مجمع البیان نقل نموده است

(۲) بعضی روایات دلالت دارد که جهنم در خود زمین است

حالا آنان که منکرند بگو رو برو شوند؛ تا از آنها پرسیم آیا شما تمام این فضاء لایتناهی را سیر نموده‌اید و دیده‌اید که میگویند خبری نیست! آیا از اوضاع داخلی این کرات عظیم الخلقه محیر العقول که طبق کشفیات جدید «ستاره شناسی» بعضی از آنها میلیونها سال نوری با ما فاصله دارد، اطلاعات صحیحی دارید؟! *بسیار از اینها را میگویند*

مگر نه اهل فن تصریح میکنند که هنوز این تلسکوپ های فعلی که قدرت دیدش تا این اندازه ها است، ناقص است و ما و راه این کرات دور دست هنوز خبرهاست که ما از آنها بی خبریم؟ مگر نه این علوم امروزی است که میگوید: حیات وزندگی را منحصر بهمین کره کوچک زمین دانستن خطاست.

مگر نه مدتهاست که راجع بحیات در کره زهره مثلا تحقیقات دامنه داری میکنند *بسیار از اینها را میگویند*

مگر نه دست رسی با اوضاع نزد یکترین کرات و تسخیر آنها را حالا حالاها برای قهرمانان فضا محال عادی می شمارند.

آیا با همه این حرفها جای این نیست که لااقل با احتیاط سخن

گوئیم و فوراً هر چیز را منکر نشویم، و خلاصه چه مانعی دارد که در جای دور دستی از این فضا دومی کز یکی پراز انواع نعمتها و دیگری کره ای سوزان باشد، و روز رستاخیز یعنی آنروزی که اوضاع و نظم کنونی کرات و ستارگان از هم پاشیده شد، و مردگان زنده شدند،

آن دومی کز بزمین نزدیک شده و مردم درستکار بسوی مرکز اولو تبه کاران بمکان دوم فرستاده شوند؛ آیا چه دلیلی بر بطلان این مطلب

داریم؟ و با کدام قواعد علمی مخالف است؟

قسمتی از نعمتهای مادی بهشت

- ۱- کاخهای مجلل
- ۲- فرشهایی که آستر آن از دیبای ضخیم است
- ۳- تخت های بهم پیوسته
- ۴- نهرهایی از شیر که مزه اش تغییر نمیکند
- ۵- نهرهایی از خمر
- ۶- نهرهایی از غسل تصفیه شده
- ۷- نهرهایی از آب گوارای جاری که هرگز بد بو نشود
- ۸- درختهای خرم
- ۹- سایه های فرح انگیز دائمی
- ۱۰- گوشت پرندگان و هر گونه گوشتی که مائل باشد
- ۱۱- میوه های رنگارنگی که در دسترس است
- ۱۲- شرابهای سفید رنگی که دست نخورده است و در قسمتی از آنها زنجبیل و در قسمت دیگر کافور آمیخته شده است
- ۱۳- کاسه های از طلا و نقره، و آبگینه نقره ای و سینی های طلا و گیلانها
- ۱۴- جامه های سبزی که قسمتی از آنها از دیبای نرم و لطیف و از دیبای ضخیم و قسمتی از حریر تهیه شده است
- ۱۵- زینتهای از مروارید
- ۱۶- دست بندهای طلا و نقره

- ۱۷- زنان خوش رنگ نرم اندام زیبایی که چشمهائی جذاب دارند و دست هیچ انسان و پیری بآنها نرسیده و همه آنها هم سندی و بقدری علاقه‌مند بشوهرانشان هستند که بدیگری نگاه نمیکنند
- ۱۸- پسرکانی همانند مروارید رخشان که باطراف اهل بهشت میچرخند و ظرفهای شراب برای آنها در دست دارند
- ۱۹- تکیه بالای تختها
- ۲۰- روبروی یکدیگر نشستن و بالاخره هر چه میل کنند و بخواهند فوراً در دسترس آنها قرار داده میشود.

قسمتی از نعمتهای روحانی بهشت

۱- لذت رضا و خشنودی خداوند از آنها که قرآن کریم آنرا بزرگترین نعمتهای بهشت دانسته است.

۲- لذت تسبیح و حمد خداوند بگفتن سبحانك اللهم والحمد لله

رب العالمين

۳- لذت درودی که ملائکه بگفتن سلام علیکم بآنها میدهند.

۴- لذت بشارت بخلود و باقیماندن همیشگی در بهشت که ملائکه بآنها میدهند.

۵- امنیت خاطر از هر گونه ناراحتی

قسمتی از اسباب عذاب جهنم

۱- آتش سوزان بسیار مهیبی که سوزش دل را خبردار میکند

- و صدای هولناک زبانه کشیدنش از مسافت دور شنیده میشود
- ۲- جاهه های آتشین
- ۳- آب جوشی که چون بیاشامند امعاء واحشاء آنها را پاره پاره کند و مع ذلك چون شتر تشنه، حریص بر آشامیدن آن باشند
- ۴- قسمتی از آشامیدنی آنجا خونابه و چرك و کثافت است
- ۵- آب بی نهایت سردی که سردیش میسوزاند
- ۶- از بالای سر آب جوش و داغ بر سر گناهکاران میریزند
- ۷- کسانی که حقوق واجبه اموالشان را نپرداخته اند بوسیله همان اموال (طلا و نقره ها) پهلو و پیشانی آنها را داغ میزنند.
- ۸- طعام دوزخیان از درختی است که چون بخورند در شکم آنها مانند مسی که گداخته شده و آبی که بغلیان آمده میجوشد.

بعضی از صوفیها چه میگویند؟

بعضی از صوفیون تمام این آیاتی که درباره بهشت و جهنم و نعمتها و عذابها آن دو رسیده است بر خلاف ظاهر حمل نموده ، و میگویند دوزخ و بهشت در درون و نهاد خود آدمی بوده و همان صفات بد و اعمال نکوهیده است که انسان را در جهان دیگر رنج میدهد کما اینکه همان صفات پسندیده و ملکات حمیده است که انسان از او لذت میبرد و از جواهر القرآن غزالی نقل شده است که پس از تأویلاتی که نموده است میگوید « فان لم تفهم المعانی كذلك فليس لك نصيب

من القرآن الافی قشوره کما لیس للبهیمة نصیب من البر الا فی قشره
وهو التبن» یعنی اگر آنچه ما گفتیم از قرآن نفهمی از قرآن جز قشر
وظاهر خشکی بهره نبرده‌ای همانطور که حیوانات فقط از قشر گندم
که گاه است استفاده میبرند.

پاسخ

البته مامنکر این نیستیم که صفات و ملکات حمیده و پسندیده
موجب التذاذ نفس است همانطور که ملکات و خصال نکوهیده مایه
رنج و معذب بودن جان یروان است و این لذت و الم نفسانی همینطور
که در این نشأه موجود است در جهان دیگر برای نفس ثابت و برقرار
است مامنکر اینها نیستیم اما اینکه کسی بگوید بهشت و دوزخی خارج
از ذات خود ماموجود نیست و تمام آیات کریمه قرآن را تأویل کند
و آنها را کنایه از صفات پسندیده و ملکات زشت بگیرد شدیداً انکار میکنیم
و وجدان هر شخص با انصاف را بگواهی میطلبیم که آیا میشود
اینگونه تعبیرات صریح و جدی که را جمع بنعمتها و نعمتهای بهشت
و دوزخ در قرآن کریم وارد شده حمل بر کنایه و استعاره و تشبیه
نمود؟! قضاوت باشما.

آخرین اشکال

آخرین اشکالی که از ناحیه منکرین میشود این است که فکر
بهشت رفتن و در انتظار آن همه نعمتهای دوست داشتنی نشستن انسانرا
از مبارزه حیاتی و فعالیت‌های اجتماعی و توسعه دادن بعلوم و وسائل عمران
و آبادی اینجهان باز میدارد و پوست کنده‌مطلب اینکه این فکر مایه از

دست دادن استقلال وزیر بار ذلت استعمار رفتن است زیرا کسیکه در انتظار آنروز آینده‌ای که سراپا خوشی است نشسته است دیگر برای او فرق نمیکند که این چندروزه دنیا عزیز باشد یا ذلیل کشورش مستعمره استعمار چنان باشد یا مستقل و سائل راحتی برای زندگی خود و هم‌نوعش فراهم باشد یا خیر و همینطور...

پاسخ

این اشکال ناشی از يك خیال غلط شده است و آن اینکه بهشت را برایگان و مفت مجانی در اختیار همه کس میگذارند یا هر کس که دست از اینجهان کشید و بکنجی نشست و کار بهیچ کاری نداشت باو بارک الله میگویند و باسلام و صلوات او را بعالیترین درجات و مقامات بهشت راهنمایی میکنند و حال اینکه چنین نیست و منطق دین با چنین فکر و خیالی بهیچ نحو همراه نیست قرآن مجید در آیات بسیاری بهشت را پاداش کسی قرار میدهد که ایمان بخدا و عمل صالح داشته باشد اسلام بهشت را در برابر خدمت با اجتماع بشری ایمان بخدا قرار داده اسلام بهشت را پاداش کشاورز بشری ایمان بخدا قرار داده اسلام بهشت را پاداش دانش آموز و محصل بشری ایمان بخدا قرار داده اسلام علاقه بوطن اسلامی و حفظ استقلال کشور و ای اسلامی را نشانه ایمان بخدا میداند و کسیکه برسر اینراه کشته شود باو پاداش بهشت میدهد. آری همین فکر بهشت و اعتقاد بدوزخ بود که سپاه اندک اسلام را بسیج میداد و در برابر دریای دشمن و امیداشت و با منطق محکم هل تربصون بنا الا احدی الحسنین نیروی خدائی تحصیل کرده و

